



اعتراف دولت بایدن به شکست فشار حداکثری دولت ترامپ علیه ایران باید با تغییر رفتار عملی آمریکا همراه شود

رهزگشایی از رقابت درون آمریکایی



زمان دیگری می‌داندند سیاست تهدید علیه ایران دیگر کارایی ندارد، به نظر می‌رسد اتخاذ چنین رویکردی در فضای رسانه‌ای از سوی دیپلمات‌های این کشورها بیشتر با هدف اثر گذاری بر افکار عمومی ایران و ایجاد فشار بر تیم مذاکره کننده کشورمان دروین باشد. این پلن رسانه‌ای غربی هادر مواردی نیز در سایه انفعال رسانه‌های رسمی و دولتی ایران مانند صداوسیما در پوشش اخبار گفت‌وگوهای هسته‌ای در وین توانست در روزهای ابتدایی دور جدید مذاکرات بر افکار عمومی وبازار ایران موثر باشد. اما بازم هم بااین وجود غربی‌ها نتوانستند به هدف خود مبنی بر عقب‌نشینی تیم مذاکره کننده ایرانی از مواضع منطقی‌اش برسند. شکست سیاست‌های رسانه‌ای غربی‌ها ریشه در تغییر رویکرد ایران در میز مذاکرات دارد، زیرا در دولت سیزدهم و تیم جدید مذاکره کننده، دستیابی به توافق به هر قیمتی هدف نیست. در این برهه زمانی که ایران توانسته است با مقاومت و دیپلماسی فعال اثر تحریم‌های آمریکا بر اقتصاد داخلی‌اش به حداقل برساند توافقی موردپذیرش جمهوری اسلامی است که در آن منافع مردم به‌طور کامل تأمین شود. بر همین مبنا تیم مذاکره کننده از همان آغاز دور جدید مذاکرات در وین با ارائه دو پیش نویس راهبردی به نمایندگان کشورهای ۴+۱ با موضوع فعالیت‌های هسته‌ای و رفع تحریم‌ها مذاکرات را آغاز کرد. تا به الان نیز محتوای این دو سند مبنای ایران در گفت‌وگوهای صورت گرفته با نمایندگان کشورهای ۴+۱ در وین بوده است و با توجه به محتوای این دو سند نیز ما شاهد پیشرفت در مسیر مذاکرات بوده‌ایم، خود این مساله از جنبه‌ای دیگر نشان دهنده موفقیت ایران در به کرسی نشاندن خواسته‌های خود در وین نیز است.

پس از گذشت حدود ۶ سال از خروج آمریکا از برجام ند پاریس، سخنگوی وزارت امور خارجه این کشور اعتراف کرد، در نتیجه تصمیم کشورش برای خروج از برجام، واشنگتن منزوی شد، نه ایران. پرایس همچنین در نشست خبری سه‌شنبه خود به‌وقت محلی پیرامون اشتباهات راهبردی دولت ترامپ در نحوه مواجهه‌اش با ایران اظهار تاسف کرد و گفت: «در دولت پیشین به ما وعده یک توافق بهتر داده شده بود اما این وعده هیچ‌گاه محقق نشد و پس از خروج دولت پیشین آمریکا از برجام، ایران توانست برنامه هسته‌ای خود را به سرعت گسترش دهد.» سخنگوی وزارت خارجه آمریکا همچنین خاطرنشان کرد: «ما خواهان بازگشت کامل به توافق هسته‌ای با ایران هستیم. مذاکره با ایران در وین ادامه دارد و در روزهای گذشته پیشرفت جزئی حاصل شده است.» سخنان پرایس مبنی بر شکست فشار حداکثری آمریکا علیه ایران، بار دیگر نشان می‌دهد آمریکا و متحدانش در مواجهه با ایران راه‌حل کارآمد دیگری جز دستیابی به یک توافق راهبردی ندارند، اما با وجود این طی هفته‌های گذشته و به‌ویژه بعد از شروع دور هشتم مذاکرات وین در فضای رسانه‌ای دیپلمات‌های غربی سعی داشتند با فضاسازی رسانه‌ای و تعیین ضرب‌الاجل زمان را برای ایران به منظور احیای برجام محدود نشان دهند. در همین راستا چندی قبل آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه آمریکا فرصت ایران برای توافق با غرب را در وین «بسیار، بسیار، بسیار کوتاه» توصیف کرد. همچنین نمایندگان کشورهای تروئیکای اروپایی (آلمان، انگلیس و فرانسه) در وین با صدور بیانیه‌ای اعلام کردند برای حصول توافق «چند هفته زمان» وجود دارد و نه چند ماه. در شرایط کنونی که خود غربی‌ها نیز بهتر از هر

گفت‌وگو

مصطفی خوش چشم، کارشناس مسائل بین الملل در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

اعتراف لفظی آمریکا به شکست فشار حداکثری کافی نیست

تا ایران به عقب‌نشینی ادامه دهد. از طرفی طرف غربی و آمریکایی ابتکاری در مذاکرات ندارند به همین علت هر از چندگاهی سعی می‌کنند طرح‌های ایران برای راستی‌آزمایی و تضمین را با ایجاد مکث و پالس یا توقف مذاکره یا در عین حال بازگشت به عقب یعنی یا درخواست بازبینی موضوعی که قبلاً مورد تأیید قرار گرفته بودند، متوقف کنند تا ایران را از پیشروی بیشتر باز بدارند و وقت‌کشی کنند و از طرف دیگر با فشار روی ضرب‌الاجل سعی می‌کنند ایران را در مگنه فشار زمان بگذارند تا ایران دست از درخواست‌هایش بردارد که تاکنون توفیقی در این مورد نداشتند. همچنین، در مقابل درخواست‌های ایران بدون نظر کارشناسی و فنی مقاومت می‌کنند و جواب‌های فنی قانع‌کننده‌ای ندارند. از طرف دیگر سعی می‌کنند تهدیدات رژیم صهیونیستی به ایران را بیشتر کنند و ذیل این فشارها ایران از درخواست‌های اصلی‌اش منصرف شود. اگر طرف آمریکایی و اروپایی حسن نیت داشتند و با صداقت در مذاکره حاضر بودند، با ارائه طرح‌هایی از جانب خودشان یا پذیرش طرح‌های ابتکاری ایران باعث رشد سرعت مذاکره می‌شدند اما وقتی به‌عنوان مثال به رژیم صهیونیستی اجازه می‌دهند که هر روز به تهدیدات خودش اضافه کند و خود سکوت می‌کنند به‌خوبی نشان می‌دهد که در چهارچوب سیاست‌های چماق و هویج و فشار بر ایران با حسن نیت ایران روبه‌رو شدند و همان بازی‌های قدیمی را انجام می‌دهند و توجه ندارند که این ممکن است شانس آخر آنها باشد و اگر از این شانس استفاده نکنند بعد از آن باتوجه به تقویت نیروی نظامی ایران و کاهش تأثیرگذاری تحریم‌ها گزینه دیگری برای مواجهه با ایران ندارند. به نظر می‌رسد این بازی‌های طرف‌های غربی برای یک دوره کوتاه‌مدت یک یا دو ماهه، تعبیر شده و باید منتظر شد و دید که به چه روشی عمل می‌کنند. آنچه که مسلم است، طرف آمریکایی و غربی اگر خواستار افزایش سرعت مذاکرات هستند، توپ در زمین آنهاست و به‌راحتی می‌توانند این کار را انجام دهند.

توافق در وین است. علی‌رغم این موردی که گفتیم، اعلام ضرب‌الاجل برای گذاشتن فشار روی ایران است یا این هدف که ایران از اصرار بر لغو شدن تحریم‌ها و راستی‌آزمایی و تضمین دست بردارد یا اینکه آمریکا به یک توافق موقتی دست پیدا کند که هم ایران غنی‌سازی ۶۰ درصد اورانیوم را متوقف کند و هم آمریکایی‌ها برای انتخابات‌شان در آینده آبرویی بخرند و هم اکنون بتوانند یک برگ برنده در کنار دیگر برگ‌های برنده جهانی مانند اقتصاد، کرونا و... برای انتخابات داشته باشند. به‌ویژه یکی از هدف‌هایشان این است که اضطرابی که برای آنها غنی‌سازی ۶۰ درصد مابه وجود آورده که یک اهرم فشار قوی از جانب جمهوری اسلامی است، تا حدی با متوقف کردن غنی‌سازی ۶۰ درصد، برای طرف آمریکایی برطرف شود تا از چانه‌زنی طرف ایرانی کم شود و بتوانند امتیازگیری و قدرت چانه‌زنی بیشتری پیدا کنند و در عین حال به مشکلات‌شان در چین و روسیه بپردازند و بتوانند در ادامه راه با فرسایشی کردن توافق وین، ایران را از گرفتن تضمین و درخواست در زمینه راستی‌آزمایی منصرف کنند. تیم مذاکره کننده ایرانی هم این را به‌خوبی می‌داند، برای همین به هیچ‌عنوان به توافق موقت و هیچ ضرب‌الاجلی تن نمی‌دهد و نخواهد داد. اما آمریکایی‌ها علی‌رغم ادعاهایی که در زمینه ضرب‌الاجل می‌کنند تنها راه‌حل‌شان رسیدن به توافق از طریق مذاکرات وین است. چیزی که امروزه نزد حاکمان جمهوری اسلامی به خوبی قابل فهم و درک است و آنها به خوبی از این مساله مطلعند. به‌طور کلی در این دور از مذاکرات یعنی از دور هفتم به بعد، ایران است که ابتکار عمل را به دست گرفته و با طرح‌های متناوب سعی کرده طرف مقابل را به واکنش بپردازد و در این مورد موفق بوده و توانسته مذاکرات را ریل گذاری کند. اما طرف غربی به‌ویژه طرف آمریکایی به خوبی می‌داند چون غنی‌سازی ایران اهرم فشار است و همین‌طور ایران ابتکار عمل در مذاکرات وین را هم به دست گرفته، سعی می‌کنند مذاکرات را با چالش‌های متعددی مواجه کنند

تجارت خارجی ایران با این کشورها در طول چند ماه گذشته بوده است که همه این ارقام به ما این پیام را می‌دهد که تأثیر تحریم‌ها در حال کاهش است. علاوه بر این از آنجا که حوزه‌های جدیدی برای تحریم باقی نمانده، آمریکایی‌ها به‌خوبی متوجه هستند که در میز مذاکره ابزار تحریم و تهدید بیش از این قابلیت اجرایی شدن ندارد. با این حال فکر می‌کنند با اعلام ضرب‌الاجل و گذاشتن فشار روی تیم ایرانی می‌توانند ایران را به دادن امتیازات بیشتر وادار کنند و می‌خواهند ایران از شرایطی که از ابتدا بیان کرده، یعنی برداشته شدن تحریم‌ها و راستی‌آزمایی و ضمانت‌ها عبور کند و بدون اینکه مکانیسم و فرمول درستی برای این موارد تثبیت شود، ایران با آنها به توافقی دست پیدا کند. بنابراین طرف آمریکایی و غربی هم به‌خوبی می‌دانند که این گونه فشارها مانند اعلام ضرب‌الاجل با تهدید

به پلن بی یا تحریم‌های بیشتر قابلیت خودش را به‌عنوان یک چماق از دست داده و اتفاقاً طرف ایرانی است که نه‌تنها هرچه زمان بگذرد، اقداماتش در راستای کاهش تأثیرگذاری تحریم‌ها و تقویت اقتصاد ملی بیشتر به بار می‌نشیند، بلکه اهرم‌های فشاری که تاکنون استفاده نکرده هم می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد و از طرف دیگر از مولفه‌های قدرت مانند مولفه قدرت موشکی و منطقه‌ای هم ایران می‌تواند بهره‌برد و فشار را بر طرف آمریکایی بیشتر کند. بنابراین طرف آمریکایی که یک فرمول بیشتر برای مقابله با ایران نمی‌شناسد یعنی فرمول «سیاست چماق و هویج» همچنان از این فرمول در کلام و تهدید استفاده می‌کند درحالی که خود آنها هم می‌دانند که این سیاست در عمل کارایی خودش را از دست داده است.

در ابتدای صحبت‌هایتان اشاره کردید که این اعتراف مقامات آمریکایی به شکست فشار حداکثری صرفاً لفظی است و باید در عمل هم این را اثبات کنند. چطور در عمل این را می‌توانند اثبات کنند و با این وجود ایران چطور می‌تواند امتیاز بیشتری در مذاکرات وین بگیرد؟
آمریکا به خوبی می‌داند که بهترین راهکار را رسیدن به

می‌شود. این صحبت‌های اخیر مقامات رسمی امور خارجه آمریکا چه پالسی می‌دهد و چه تأثیری بر روند مذاکرات خواهد داشت؟

شکست فشار حداکثری علیه ایران، در اردیبهشت ۹۹ به صورت آشکار و مشخص توسط مقامات آمریکایی و غربی مطرح شد؛ چراکه تحریم‌های آمریکا در چهارچوب سیاست‌های فشار حداکثری، برای اینکه به اوج خودش برسد و تغییر در محاسبات کشور هدف یعنی ایران ایجاد بکند، از زمانی که آمریکا از برجام خارج شد، از هم فروریخت. یعنی از اردیبهشت ۱۳۹۷ تا اردیبهشت ۱۳۹۹ دوره اوج تحریم‌ها به پایان رسید و آمریکایی‌ها نتوانستند با افزایش هزینه اقتصادی و فشار اقتصادی علیه کشورمان، ایران را مجبور به مذاکره درباره مسائل منطقه‌ای کنند. بعد از آن هم مقامات دیگری در دولت ترامپ و دولت بایدن از جمله خود شخص بایدن بارها به شکست فشار حداکثری اشاره کردند، اما این صحبت‌ها و مواضع کلامی کافی نیست و آمریکا باید در عمل سیاست فشار حداکثری را متوقف کند. در دوره ریاست جمهوری بایدن تا زمان کنونی هم ما با این امر مواجه هستیم که علی‌رغم ادعای مقامات آمریکایی به شکست این سیاست فشار حداکثری، این سیاست همچنان دارد اجرا می‌شود. البته تحریم‌های آمریکا درحوزه‌های مشخصی تأثیرگذاری دارد مانند حوزه اقتصادی. بنابراین تحریم‌های آمریکا قابل تأثیرگذاری بیشتر روی دیگر حوزه‌ها نبوده و نیست. از طرف دیگر با روی کار آمدن دولت رئیسی و شروع تلاش‌های همه‌جانبه برای کاهش تأثیرگذاری تحریم‌ها از طریق توانمندسازی اقتصاد ملی و گسترش روابط با همسایگان، صادرات نفت از طریق دور زدن تحریم‌ها و تقویت روابط با کشورهای خریدار نفت ایران، تأثیرگذاری تحریم‌ها روی اقتصاد ایران بیشتر از قبل درحال کم شدن است. آمارهای رسمی و غیررسمی طی چند ماه گذشته، به وضوح نشان می‌دهد صادرات نفت ایران از یک میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه در روز گذشته و همچنین آمار تجارت خارجی ایران با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس هم حاکی از افزایش صادرات و افزایش

نرگس چهر قانی
خبرنگار گروه سیاست

سه‌شنبه به وقت محلی، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، **ند پرایس** در نشستی خبری رسماً اعلام کرد که **فشار حداکثری آمریکا علیه ایران شکست خورده است. در همین راستا وزیر امور خارجه آمریکا، آنتونی بلینکن نیز با اشاره به فشاری که به آمریکا وارد می‌شود گفت: «خروج آمریکا از توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ با ایران اشتباه بسیار بزرگی بود.» این اظهارات از سوی مقامات رسمی آمریکا در میانه مذاکرات هسته‌ای در دور هشتم، درحالی بیان شده است که در این مدت طرف‌های غربی در فضای رسانه‌ای خود سعی داشتند ایران را عامل اصلی ایجاد بن بست در مسیر احیای برجام جلوه دهند. جهت بررسی دقیق تر اتخاذ این مواضع از سوی مقامات آمریکایی با مصطفی خوش چشم کارشناس مسائل بین الملل به گفت‌وگو پرداختیم. متن گفت‌وگوی «فرهیختگان» با وی را در ادامه می‌خوانید.**

در ابتدای دور هشتم مذاکرات وین، فضا سازی تیم مذاکره کننده غربی و آمریکا به گونه‌ای بود که سیاست فشار حداکثری را دنبال می‌کرد؛ مواردی از این فضا سازی را می‌توان ضرب‌الاجل تعیین کردن، یا تهدید با پلن بی، یا حتی به گونه‌ای فضا سازی می‌کردند که خروج آمریکا از برجام را گردن ایران ببندازند. در این حال طی چند روز اخیر وزیر امور خارجه آمریکا، آنتونی بلینکن شخصا گفته که خروج آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران اشتباه بسیار بزرگی بوده و حتی سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده، ند پرایس هم تاکید کرده که سیاست فشار حداکثری علیه ایران شکست خورده و الان برعکس شده به‌طوری که به آمریکا دارد فشار وارد

دور هشتم از مذاکرات وین درحالی آغاز شد که تیم مذاکره کننده غربی و آمریکا با فضا سازی رسانه‌ای سعی در کامل کردن سیاست فشار حداکثری داشتند؛ تعیین ضرب‌الاجل یا تهدیداتی همچون پلن بی در این چهارچوب تعریف می‌شود. با این حال طی دو روز گذشته مقامات رسمی وزارت خارجه آمریکا رسماً اعلام کردند که خروج آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران اشتباه بسیار بزرگی بوده و حتی تاکید کردند که فشار حداکثری شان علیه ایران شکست خورده است. پیرامون بررسی ابعاد صحبت‌های مقامات رسمی آمریکایی با سیدرضا صدرالحسینی، کارشناس مسائل بین الملل به گفت‌وگو پرداختیم. او در ابتدای سخنان خود با اشاره به روندهای موجود در مذاکرات وین گفت: «روندهای موجود در گفت‌وگوهای وین شرایطی را به‌وجود آورده که بسیاری از آنچه در طول پنج سال گذشته توسط رسانه‌های غربی علیه جمهوری اسلامی ایران و فضا سازی برای تخریب جایگاه جمهوری اسلامی در نظام بین الملل انجام می‌د، تا حدود قابل توجهی رفع شده و درواقع حقایق روشن شده است که اولاً آمریکایی‌ها در تداوم توافقاته برجام با خروج خودشان ایجاد اختلاف کردند، دوم اروپایی‌ها به‌جای تذکر و عدم همکاری با آمریکا، همراهی و همکاری با این کشور داشته و بی‌علاقگی خود را رسماً

و عملاً به برجام اعلام کردند و نکته سوم اینکه امروز جهان غرب بیش از جمهوری اسلامی به برجام نیاز دارد، اینها واقعیت‌هایی است که در طول گفت‌وگوهای قریب به دو ماه گذشته، مشخص شده است.»

این کارشناس مسائل بین الملل همچنین تاکید کرد: «البته باید توجه داشته باشیم پیام‌های متناقضی که گاهی از زبان مقامات آمریکایی شنیده می‌شود، به هیچ عنوان نباید مسیر روشن و شفاف و نقشه راه تیم مذاکره کننده جمهوری اسلامی ایران را برای تأمین منافع ملی ملت ایران تحت تأثیر قرار دهد. این مساله در طول هفته‌های اخیر با اعلام مواضع از جانب مقامات آمریکایی از جمله وزارت امور خارجه آمریکا، بیشتر نمایان شده است و حتی آنها موضوع روشن شدن یا رسیدن به نتایج گفت‌وگوها را به‌طور مستقیم یا از طریق بعضی از مقامات غربی شرکت کننده در کنفرانس گفته‌اند. اما باید بدانیم که این پیام‌ها نمی‌تواند در مسیر حرکت جمهوری اسلامی برای رسیدن به یک «توافق پایدار» و «توافق قابل اتکا» تأثیرگذار باشد. با توجه به این مساله باید بگویم ما هنوز به یک شفافیت روشن در مذاکرات نرسیده‌ایم و اعلام بی‌هنگام رسیدن به یک چشم‌انداز روشن از جانب مقامات غربی می‌تواند یک عملیات روانی باشد که به دنبال مهتدسی افکار عمومی و شرطی کردن

سیدرضا صدرالحسینی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

غرب بیش از ایران به برجام نیاز دارد

آمریکا اعترافات خودش را در عمل هم نشان دهد، گفت: «با توجه به اینکه مساله شکست فشارهای حداکثری یا فشارهای مضاعف یا فشارهای خردکننده علیه جمهوری اسلامی در طول ماه‌های اخیر کاملاً مشخص بوده، دولت سیزدهم بر اساس این واقعیت دو سند را در ارتباط با مساله رفع تحریم‌ها و تداوم اقدامات صلح‌آمیز هسته‌ای تهیه و به تیم مذاکره کننده غربی تحویل داده است و علی‌رغم استنکاف اولیه طرف‌های غربی، آنها مجبور به پذیرش این اسناد متقن و مستدل شدند. بر این اساس تیم مذاکره کننده دولت سیزدهم با اعتماد و اعتقاد کامل به شکست فشارهای حداکثری علیه جمهوری اسلامی ایران در این گفت‌وگوها شرکت کرده بود. می‌خواهم این را بگویم که این شکست فشار حداکثری آمریکا موضوع جدیدی نیست و نیازمند اقرار مقامات آمریکایی هم نخواهد بود، به‌دلیل اینکه ممکن است پشت‌سر این اقرارها به‌نوعی شیطنت‌هایی باشد که بخواهد با بیان این موضوعات، مساله توافقات نهایی و امتیازات تیم مذاکره کننده ایرانی را مورد تهدید قرار دهد. در پایان باید این را بگویم که ما می‌دانستیم این فشارهای حداکثری نتیجه نداشته و نخواهد داشت و با علم به این موضوع اسناد مذاکرات دور جدید تهیه شد.»

اقتصاد کشور ایران است. بر این اساس من فکر می‌کنم به هیچ عنوان مطالب و موضوعاتی خارج از بیانات رسمی اعضای اصلی تیم مذاکره کننده و وزارت امور خارجه ایران در این رابطه قابل اتکا نبوده و حتی در ساعات اخیر برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز مطالبی را بیان کردند که با واقعیت میز مذاکرات تطبیق نداشته و این بیانات واکنش افراد مرتبط با میز مذاکرات را به همراه داشته است. به همین علت با توجه به شرایطی که با آن روبه‌رو هستیم، هیچ‌گونه اظهار نظر غیرکارشناسی در داخل کشور یا عملیات روانی در خارج از کشور نباید روی عزم و اراده و تصمیم جمهوری اسلامی و تیم مذاکره کننده برای استیفای حقوق ملت ایران کمترین اثر منفی را بگذارد. با توجه به مطالب گفته شده باید به این مساله توجه کنیم که آمریکایی‌ها و همه مقامات مسئول در حوزه داخلی و خارجی مرتبط با مسائل هسته‌ای جمهوری اسلامی هم به این نتیجه رسیده‌اند که فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی بی‌تأثیر بوده و علی‌رغم افزایش فشار آمریکا بعد از تغییر دولت ترامپ به بایدن هم نتوانست بر اراده جمهوری اسلامی در استیفای حقوق ملت خودش تأثیرگذار باشد،

همچنین در پایان این گفت‌وگو صدرالحسینی، پیرامون اینکه چطور باید